



هدیه‌ای کوچک ارائه می‌کنم.» او درباره این قطعات گفت: «این آهنگ‌ها که به شکل ارکسترال ضبط شده از ساخته‌های پیشین من است که این بار آنها را به‌عنوان هدیه‌ای از طرف لوریس چکناواریان با افتخار به تمام ملت ایران که تمام جهان آنها را به‌عنوان مردمانی عاشق، مهربان و دوستدار انسان و انسانیت می‌شناسد تقدیم می‌کنم.»

گفت: «مدتها اینستاگرام من فعال نبود و شب یازدهم آن را دوباره فعال خواهم کرد. برای ادای دین، رسالت و وظیفه‌ام به عنوان هنرمندی که عاشق مردم ایران است و همواره از آنها شور و انرژی برای فعالیت‌هایش گرفته رد این شب با راهاندازی مجدد اینستاگرامم بخشی از قطعات عاشقانه (love songs) خود را که تمی بلدایی دارد به عنوان

به ایرنا گفت: «با وجود تمام مشغله‌ها در مسیر کارایم برای انجام رسالت و دین خود به‌عنوان یک شهروند تلاش کرده‌ام حتی از کارهای روزمره‌ام بگذرم و ماه‌هاست که در منزل هستم. در این مدت تلاش کردم کارهایم را بیشتر از طریق فضای مجازی انجام دهم.»

مردم فرهنگ‌مدار ایرانی داشته باشیم اما از آنها دعوت می‌کنم در این ایام که هر روز شاهد اخبار تلخ و ابتلای هزاران نفر از هموطنان و فقدان چندصد نفر آنها به دلیل ویروس کرونا هستیم، در خانه بمانند و شب یلدای متفاوتی را برای خود و تمام افرادی که آنها را دوست می‌دارند رقم بزنند.

خالق نوای ماندگار اپرای جهانی رستم و سهراب

هديه يلدایي چکناواریان

گروه فرهنگی/ لوریس چکناوریان چهره شناخته شده موسیقی ضمن دعوت از مردم برای جشن پیدا در خانه از طریق فضای مجازی، از ارائه قطعه‌ای عاشقانه به تنم پیدا در حساب کاربری اینستاگرام خود به عنوان هدیه‌ای برای ایرانیان خارجی داد. این هنرمند با تأکید بر ماندن مردم در خانه «در مقامی نیستم که توصیه‌ای برای

گزارش روز

از یلدا تا نبرد فریدون و ضحاک

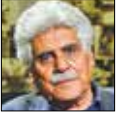


داود فتحعلی بیگی
کارگردان
و مدرس تئاتر

این شب بلند، تاریکچه و دهمتی استانی دارد که قرن هاست مردم آن جشن می‌گیرند و به باور نیاکان گذشته ما این شب طولانی که آغاز زمستان بوده است را برای دور کردن تاریکی و سیدن به نور و طلوع روز دور جمع می‌شدند و چنین مناسکی را به حال می‌رودند؛ اما اینکه در چنین شب‌هایی در طول اعصار گذشته، ما نمی‌دانیم که داشته‌ایم چنین چیزی یا وجود نداشته یا تم و به آن برخورد هام و صرفاً شنیده یا در جاهایی نقلی برخی نقاله‌ها داستان مثل داستان غلبه به شقی می‌کردند و دلیل انتخاب این داستان هم به منطقی این داستان به جدال و مبارزه نور و تاریکی و یکی بوده که با چنین موقعیت و وضعیتی همسانی که بسیاری می‌دانند این آیین از دوران کهن، یعنی ما رسیده که البته امروز به آنچه در آن دوران یافت شده و تبدیل شده است به یک سرود و درمی‌یابیم باستان به نور مطلق اعتقاد داشتند و برای آنکه نور و مبدین خورشید باشند و این طلوع دوباره را در دور تاریک جمع می‌شدند و احتمالاً با گفته خواننده را در صبح بیدار می‌شدند و همان طور که گفته شد به نوعی غلبه نور بر تاریکی و ظلمت را ببینند و این نیک بگیرند. امروز کمتر جایی در ایران یا کشورهای مشترک فرهنگ با این آیین براساسی اتفاق می‌افتد و شهرها و روستاهایی دارند که بخشی از این مراسم شده و هم چیز تغییر پیدا کرده است.

نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این مسأله است که منظور ما از آیین همان جلوه عینی اسطوره است، همان‌طور که نگاه ما به شاهنامه فردوسی و نقالی‌ها و پرده‌خوانی‌ها و نمایش‌های آیینی می‌تواند مصداقی بر این مسأله باشد و طبیعتاً وقتی سرعت حوزه‌های آیینی می‌رویم، باید این نکته را در نظر داشته باشیم که این حوزه، سازوکارهای دیرداری دارد و باید خود یک شکل اجرایی پیدا می‌شود و متأسفانه گاهی دیده می‌شود که بین سه حوزه، آیین، رسم و سنت خلط محبت‌هایی پیش می‌آید که اساساً اشتباه و نادرست است. مسأله دیگری که باید به آن پرداختن به صورت جزئی در دستور بالا به آن اشاره شد این است که آنچه ما طی سال‌های گذشته آیین می‌شناسیم و در خاطر داریم پل‌های دوران جدید است و کمترین شباهت را با آداب و رسوم پل‌های در قرن‌های پیش جشن گرفته می‌شد دارد یا حداقل خود من جایی را نمی‌شناسم و نمی‌دانم که آیینی باستانی هم‌چون آیینی که نیاکان ما برگزار می‌کرده‌اند درباره پل‌ها داشته باشند؛ علی‌الخصوص آیین محدوده زندگی شهری امروزی که به هیچ‌وجه آیین روستایی سراغ ندارم و صرفاً ما امروزه به همین دوره‌م جمع شدن‌ها و حافظ‌خوانی و خوردن آجیل و شیرینی بسنده می‌کنیم در صورتی که حافظ فردوسی بسیار بهتر از این آیین که ریشه در میترائیسم دارد یا به عرصه گذاشته‌اند و از همین پل‌ها و مضمون‌های شیرع و شاهد همین آورده‌اند. این دیگران بوده‌اند که به شعرهای کسی مثل فردوسی، مثلاً در قیام فردوس و ضحاک و جیحی نامدین داده‌اند و این موضوع یک نوع تناسبات دادن اختیاری بوده نه اینکه الزاماً اتفاق افتاده است چون همان‌طور که آمد فردوسی بسیار بهتر به دنیا می‌آید و شاهنامه را می‌نویسد یا به اینکه بخش‌هایی از داستان ضحاک و فردوس روایتی از تحلیلی است که ما در نهایت تحلیلی‌ها و نشانه‌شناسی‌ها از این متن، تحلیلی‌ها و برداشت‌هایی، متناخر است.

یلدای امسال دل بدهیم به قصه جانفشانی پرستاران



هارون یشایایی

داده پر جمعیتی بودیم؛ ۶ پسر و سه دختر. پدر فوت بود و به همراه مادر جمعی ۱۰ نفره می‌شدیم. همان لشکری بودیم برای عبور از شب بلند سال. هر کدام‌مان بومین مشغول کاری بودیم و دور جمع کردن خانواده کار پرزحمتی بود. مادر که، دست و بزرگ و مورد احترام همه بود میدان دار همه سستی تن می‌داد تا دور هم جمع شویم، انا،

هم می کرد، هندوانه می خرید و سعی می کرد شب پلیدیان بی رونق نباشد. خصوصیات بازار مادر همین تلاش برای حفظ دورهمی در چند شب سال به همه شب نوروز و اعیاد و خدومان و شب پیدا بود. یکی از دست های هیچ به فرهنگ گفتگویی و شعری خواند، سواد بلدانگی او روزها هیچ ممان سواد چندانی نداشتیم. مادر کتابخوانی بلد نبود اما قصه هایی را که بصورت شفاهی شنیده بود برایشان تعریف می کرد. با قصه هایی از تورات، ان توح، یوسف، خروج از مصر و... ما را سرگرم می کرد. تلاش او برای دور همی جمع کردن اعضای خانواده حالا به ما ارث رسیده است. الان، ما دختر و پسر و چهار نوا هم جمع مانده جلا به ما ارث رسیده است. و علاقه به کربلایکاش که با ادبیات انس و الفت دارد چند سالی است که علاوه بر تقال حافظ برایشان شاهنامه خوانی می کند. در میان قصه ها ما بر طرفداران زندگی خودم است. نوه هایم سر و شروت و داستان زندگی پدر بزرگشان بستان از هر قصه ای دوست دارند. من زندگی برانجی داشتیم و علاقه به شنیدن باعث می شود گذشتهم را مرور کنم. نقل خاطره می کنم از الیت های اجتماعی و کارهایی که برای جامعه بهبودیان انجام دادم و آنها علاقه گوی می کنند. شب پلیدی اسامال اما متفاوت از هر سال است. قرار به دوری، هوای هم را داشته باشیم. با وجود همه نوستالژی و علاقه به کنار هم بودن داریم یاد از بیماری کرونا بگیریم. این شب ها تکرار شود و باید زنده بهمانیم تا تکرار پیدا و کنار هم بودن را دوباره تجربه کنیم. اولویت اولمان سلامتی است تا سال آینده جای عزیزی خالی نماند. به عزیزانمان باشیم و حداقل به مناسبست روز بستان را به تیم درمانی که این ها برای نجات هوطنان مان از جان ما به نیت گذاشتند، هدیه کنیم. اسامال به جاشناسی پسرانمان دل بدیم که البته داستانی تاریخی است. ۲۰ سال بهر عمل بیمارستان دکتر سپهر (بیمارستان خیریه کلیمیان) بودم و شاهد دام که پرستارها همیشه کنار مردم بوده اند. یک نمونه اش ۱۳ آبان سال ۱۳۸۰ است. سر چهارراه سرچشمه تظاهرات مردمی بود. پدر از فخری زیادی می شدند. بیمارستان ما که نزدیکترین مرکز درمانی بود پر شد از افرادی که تمام پرستارها غرق به خون بودن. رئیس پرستارها زنده باد خاتم حصیدیم مورد احترام همه بود طوری مدیریت کرد که کسی بیرون در نماند. پس از آن بچه ها را از در کوچه بیمارستان قار می داد تا اسیر کار ادمنیتی نشوند. بل آن پرستارها مثل ما رو به پایان است اسامال جدید پرستاران در همین کرونا ثابت کردند شاکردان و جاشناسان خوبی برای این نسل هستند. کارش و جان خودشان را برای نجات ما به خطر انداختند. ما هم به فکر جان پرتانایک می کردیم وقت حقوق شان برای احرامات شان نبوده است. از ما بر می آید که مراقب خودمان باشیم و محصلان هشتیم».

صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود



هوشنگ جاوید
پژوهشگر موسیقی
نواحی و آیینی ایران

رخ داد و باعث شد ۱۲ دسامبر به ۲۵ دسامبر منتقل شود، در واقع ۲۱ دسامبر روز تولد میترا است و از آریسمس و روز تولد حضرت تیر (ع) اعلام کردند. همان طوره که حکیم سنایی می گوید: «به صاحب بخت دولتی پیوند اگر نامی همی جوینی / که از یک چاکری عیسی چنان معروف شد بدلا» نکته دیگر در این بلندترین شب سال، اقلام خوشنویسان می رسومی است که استفاده می شود. در واقع اول رستمیان پایان برداشت محصولات زمینی و صیفی جات و آغاز فصل استراحت در جامعه کشاورزی است. لازم به یاد آوری است کشاورزان در گذشته چهار روز گرامی می کردند: نخست «جشن نوروز» که همان بهار و فصل کار است، دوم «جشن تیرگان» که در تابستان است و باین روز را به خاطر حاصل شدن و رسیدن بخشی از نعمت های خداوند مانند گندم، جو و برداشت میوه های درختی جشن می گرفتند و دیگر «مهرگان» که در بهار و جشن برداشت میوه های درختی بزرگ خوانند و در آخر شب چله که همه محصول صیفی برداشت می شود و فصل استراحت کشاورزان است. البته جشن شب چله چون نزدیک به این است و روز «سپندارمزد» بوده، ارتباطی بین این دو مناسبت قرار گرفته است که روز دوستی نامیده اند به این علت که باغداران و کشاورزان به این سفارش همیاری یکدیگر می روند اما متأسفانه غربی ها این روز را از اقتباس و در واقع زدی کرده اند و ولتاین نامگذاری شده است متأسفانه نهادهای متوالی میراث فرهنگی تا به امروز کار جدی در این زمینه انجام ن داده، در حالی که اساس این دوستی ها در ایران زمین شکل گرفته است، ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه اشاره داشته در روز نخست دی ماه که پایان برداشت محصولات کشاورزی است، پادشاه یا فرمانروایان با دهقانان و بزرگان مجالست می کنند و همه غذا

هوشنگ جاوید
پژوهشگر موسیقی
و نوآفرین ادبی

می‌شود. البته برخی شاعران چون سعدی، حافظ مولانا در اشعار خود بیشتر به نام «یلدا» تأکید داشته‌اند و به این سبب که تاریخ دیرینه «یلدا» را فراموش نکنند و بدین‌امین آیین به لحاظ باستان‌شناسی از دیرپا در کشور ما جاری بوده است، چنان که سعدی می‌گوید: «باد آسایش گیتی ز نند بر لبش صبح صادق ندم» تا شب یلدا نرود» در واقع در تاریخ ایران باستان «یلدا» را شب زایش مهر و خورشید هم می‌نامند، به این معنی که روز اول زمستان خورشید در دل تاریکی بیرون می‌آید و زایش می‌شود و در گذشت و از زاردریانی که در راه را در چهار روز جشن می‌گرفتند؛ اول، هشتم، یازدهم و ۲۳ دی ماه، که نام ماه بام‌روز یکی بود و این سه روز آخر را «دی» می‌نامیدند و روز آخر را جشن می‌گرفتند. اما امروزه تنها روز اول زمستان را جشن می‌گیریم که یلدا نامگذاری شده است. «یلدا» که واژه سریانی است که فرهنگ ایران وارد شده و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد به معنای ولادت خورشید یا مبتدا است. در باب زایشین‌شام را به نوعی اهریمنی می‌دانستند و برای آنکه کمک کنند روز پیرروز شود شب اول زمستان را زایشین‌شام به نام می‌نامند و به جشن پایکوبی می‌پرداختند تا مهرمان در کنار آنها خورشید در دل تاریکی بیرون بیاید. البته زایش خورشید و آغاز در فرهنگ ما دیگری را هم در بر گرفته است به‌طور مثال در قرن چهارم میلادی در احساب سال کیسسه اشتباه‌ها

شهر هوشمند
معاونت اقتصادی
پروژه ملی توسعه و عمران شهر هوشمند

فراخوان عمومی شناسایی سرمایه گذار

احداث بزرگترین میدان بار مرکزی شرق کشور در مشهد

معاونت اقتصادی شهرداری مشهد در نظر دارد در راستای ساماندهی و انتقال میداین بار موجود نسبت به احداث بزرگترین میدان بار مرکزی شرق کشور، در پهنه های منطبق با طرح های بالادستی، در حریم شهر مشهد و در عرصه ای با مساحت حداقل ۷۰ هکتار و بصورت مشارکتی (سهم الشرکه ۵۰ درصد شهرداری و ۵۰ درصد سرمایه گذار) پس از اخذ مجوز شورای اسلامی شهر مشهد اقدام نماید.

لذا متقاضیانی که تمایل به شرکت در این فراخوان را دارند می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد فراخوان به سامانه مناقصه و مزایده شهرداری مشهد به نشانی ETS.MASHHAD.IR و یا سایت معاونت اقتصادی شهرداری مشهد به نشانی ECO.MASHHAD.IR مراجعه فرمایند.

برای اطلاع از شرایط و اسناد فراخوان مورد نظر کیو آرکد مربوطه را با تلفن همراه خود اسکن کنید

مشهد
شهر هوشمند
شهر امید و زندگی


MASHHAD
SMART CITY
CITY OF LIFE & HOPE

آخرین مهلت بابت تحویل اسناد فراخوان: ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

آدرس: مشهد/ خیابان دانشگاه / برج آلتون / طبقه ۱۸ / واحد ۱۲ / دبیرخانه معاونت اقتصادی شهرداری مشهد

جهت پاسخگویی به هر گونه سؤال و بمنظور هماهنگی از طریق شماره تلفن ۰۵۱۳۱۲۹۱۶۱۲ (مدیریت سرمایه گذاری و مشارکت ها) اقدام فرمایید.

۱۰۰



اگر چرخي هست
راه هم هست

آموزش، اشتغال و کار آفرینی
معلولین جسمی حرکتی

www.raad-alghadir.org

تلفن ۰۶۹۳۴۵۳۵۲-۴